

جایگاه مدارس در کیفیت آموزش ولایت قهستان (از سلجوقی تا صفویه)

امیر کوچی^۱

محمود خواجه میرزا^۲

اردشیر اسد بیگی^۳

.....

چکیده

قهستان منطقه‌ای است در جغرافیای تاریخی ایران زمین که پیوندی عظیم و ناگسستنی با خراسان بزرگ دارد. گرچه که، امروزه بخش عمده ایی آن را خراسان جنوبی نامیده‌اند و برخی نواحی شمالی آن نیز جزء خراسان رضوی است، اما با این وجود، قهستان در سیر تاریخی خود شاهد وقایع مهم تاریخی بوده است. ولایت قهستان با توجه به موقعیت جغرافیایی و بافت فرهنگی اش در زمینه آموزش و تعلیم و تربیت نقش ویژه ایی در فرهنگ و تمدن اسلامی از سلجوقیان تا پایان صفویان داشته است، به گونه ایی که عالمان بزرگی از این ولایت سر برآوردند و عوامل مهمی چون سیاسی- اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی بر وضعیت آموزشی قهستان در این دوره تاثیرگذار بوده است. روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق که بر پایه روش توصیفی- تحلیلی صورت گرفته، به شیوه جمع آوری منابع و اسناد کتابخانه ایی است. یافته های پژوهش حاکی از آن است که وضعیت آموزش قهستان تابع وضعیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن است که زمینه ساز تعالی و پیشبرد نهاد آموزشی شده است. به گونه ایی که از نظر سیاسی تاسیس مدارس دولتی و از نظر اقتصادی، شاهراه بودن آن و به لحاظ فرهنگی تکثر فکری و قومی از عمده عوامل ترقی وضعیت آموزشی قهستان و ثبات در این ناحیه محسوب می شود. لذا، جایگاه مدارس در کیفیت آموزش ولایت قهستان در ارتقاء بینش فرهنگی این ولایت از دوره سلجوقی تا صفویه نقش بسیار مهمی ایفاء کرده تا آنجا که بزرگان و علمای دینداری را در خود پروراند است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی عوامل سیاسی- اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی بر وضعیت آموزشی قهستان از دوره سلجوقیان تا صفویان.
۲. شناسایی عوامل مؤثر بر کیفیت مدارس از دیدگاه متخصصان تعلیم و تربیت و بررسی وضعیت موجود کیفیت مدارس در قهستان و تبیین نقش ولایت قهستان در بالندگی بزرگان و علمای دینی.

سوالات پژوهش:

۱. چه عواملی بر وضعیت آموزشی قهستان از دوره سلجوقیان تا صفویان تاثیر گذار بوده است؟
۲. ولایت قهستان چه نقشی را در بالندگی بزرگان و علمای دینداری در طول تاریخ ایفاء کرده است؟

واژگان کلیدی: قهستان، مدارس، آموزش و پرورش، سلجوقی، صفویه.

^۱ دانشجوی دکترای الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، مشهد، ایران ایمیل : amirkochi^{۵۹}@yahoo.com

^۲ استادیار. ایمیل : Dr.Khajehmirza@yahoo.com

^۳ استادیار. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، مشهد، ایران . jafar.asadbeigi@gmail.com

مقدمه

آموزش و پرورش فرآیند یادگرفتن دانش و مهارت و یاد دادن آن است. این فرآیند از پیدایش انسان بر زمین آغاز شده، آرام آرام کامل‌تر شده و امروزه یکی از پایه‌های اساسی پیشرفت جامعه‌ها شده است. ایرانیان در فرآیند پیشرفت آموزش و پرورش، نقش شایسته‌ایی داشته‌اند، به طوری که شکوفایی تمدن اسلامی تا حدود زیادی وامدار تلاش عالمان و بزرگان ایرانی است. آنچه که امروزه تحت عنوان فرهنگ و تمدن اسلامی از آن یاد می‌شود، پروسه‌ایی است که وامدار نهاد آموزشی در قلمرو اسلامی و متعاقب آن پرورش نخبگان فکری و سیاسی و مذهبی بوده است. در واقع، پیشرفت و تعالی هر تمدنی بر پایه نهاد آموزش و توجه به علم می‌باشد و جامعه اسلامی با توجه به تاکیدات و توجهات قرآن و سنت نبوی به کسب علم و همچنین، تعامل با سرزمین‌های دیگر همواره بر لزوم دانش‌اندوزی و کسب علم تاکید داشته است. در دوره سلجوقیان، با وجود فراز و نشیب‌های زمامداری سلاطین و حکمرانان سلجوقی، دوره زمامداری و فرمانروایی آل سلجوقی را بر بلاد اسلامی از جهات مختلف فرهنگی، اجتماعی، علمی، ادبی، ظهور چهره‌های علمی و توسعه مراکز و مراجع فرهنگی، می‌توان یکی از درخشان‌ترین ادوار تاریخی ایران محسوب نمود. چنانکه این عصر با عناوینی نظیر دوره وفور علماء و ادباء، دوره رشد و عصر گسترش و توسعه مدارس و کتابخانه‌ها، یاد شده است (راوندی، ۱۳۸۲: ۶۶) و این روند تا دوره صفویه ادامه یافت.

اما کسب علم و دانش‌اندوزی خود بعضاً به موقعیت جغرافیایی بر می‌گشت به گونه‌ایی که هر اندازه که منطقه‌ایی در مسیر یا شاهراه‌های تعامل با فرهنگ‌های دیگر قرار می‌داشت از بخت و اقبال بیشتری برخوردار می‌بود. ولایت قهستان در تاریخ ایران اسلامی از چنین موقعیت و شرایط استراتژیکی برخوردار بوده است که در نتیجه آن، توجهات جدی‌ایی به امر آموزش در آن شده است و با توجه به اینکه از زمان سلجوقیان با تاسیس مدارس نظامیه، آموزش شکل منسجم‌تر و هدفمندتری به خود گرفت، قاعدتاً تشکیل چنین مدارسی همچون؛ خردگرد در قهستان بر تقویت و پیشرفت امر آموزش تأثیرات بسزایی داشته که این امر در ادوار بعدی هم تداوم داشته است. لذا، در نتیجه تاسیس مدارس آموزشی، طلبه‌ها و نوآموزان زیادی بدین منطقه آمدند و در آنجا مشغول به تحصیل شدند که ماحصل آن تربیت نخبه‌های علمی بزرگی همچون خواجه نصیرالدین طوسی است که به طبع، تعلیم و تربیتی که در قهستان دیده است بر پرورش افکار او تأثیرگذار بوده است. اما نکته‌ایی که باید اشاره شود این است که آنچه بر غنای فکری و فرهنگی قهستان افزوده است، تکثر قومی و فکری و عقیدتی می‌باشد و گروه‌های مختلفی همچون شیعیان، سنی‌ها، صوفیان در آنجا ساکن هستند و این امتزاج عقاید خود مزید بر ترقی نهاد آموزشی و جایگاه مدارس در ولایت قهستان است.

از جمله مهم‌ترین آثاری که در این زمینه نگارش یافته می‌توان به کتاب «از شوکتیه تا دانشگاه بیرجند» تألیف محمدرضا میری و محمد امین ناصح (۱۳۹۲) اشاره کرد که با مقدمه علی اصغر فانی، آغاز شده است. در این اثر به

تشریح روند ایجاد و گسترش و تحولات آموزش و پرورش اسلامی در بیرجند و چند شهر منتخب خراسان جنوبی می پردازد و در ادامه به زمینه های اتصال این مدرسه تاریخی به دانشگاه بیرجند توجه دارد.

کتاب دیگری نیز چون؛ «گناباد از فرود تا فردا» نوشته مرحوم دکتر محمد حسن هجرتی (۱۳۸۶) در خصوص وضعیت آموزشی گناباد و تاریخ آموزش و پرورش گناباد نوشته شده که در آن به مدارس قدیمی گناباد متعلق به عصر سلجوقی تا قاجار اشاره شده است و همچنین، مقاله ای با عنوان «مدرسه تاریخی علیا فردوس» توسط علیرضا انیسی عضو هیات علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری (۱۳۹۵) به نگارش در آمده و در فصلنامه علمی فنی و هنری اثر در بهار ۹۵ در شماره ۷۲ فصلنامه به چاپ رسیده است. در کتاب دیگر نیز، مانند کتاب جغرافیایی تاریخی شهرستان های این ولایت نیز اشاراتی به این موضوع بصورت مختصر و بحث های پراکنده شده است. ولی جز چند موردی که نامبرده شد، کتاب مخصوص برای فعالیت های آموزشی منطقه قهستان در عصر مذکور بصورت تخصصی و مجزا نوشته نشده است.

در این پژوهش که به شیوه کتابخانه ای به گردآوری اطلاعات در مورد مدارس و موقعیت اجتماعی- سیاسی و فرهنگی این ولایت پرداخته، سعی شده به نکاتی بپردازد که سهم عظیمی در شناساندن جایگاه مدارس این منطقه در رشد و بالندگی و ظهور بزرگان و علمای دینی داشته است. لذا، در ادامه این پژوهش ابتدا به جنبه های تاریخی عوامل تاثیرگذار بر وضعیت آموزش در ولایت قهستان در دوره تاریخی از سلجوقی تا صفویه پرداخته شده، سپس نقش مدارس در پرورش بزرگان بررسی شده است.

جغرافیای قهستان

جغرافی نویسان عرب ایالت قهستان را مثل سیستان از توابع خراسان شمرده اند، قهستان به معنی کوهستان و به مناسبت وضع طبیعی آن با این نام موسوم گردیده، زیرا برعکس سیستان که در خاور قهستان کنار دلتای هیرمند در یک سرزمین پست قرار دارد، سرزمین قهستان مرتفع و کوهستانی است.

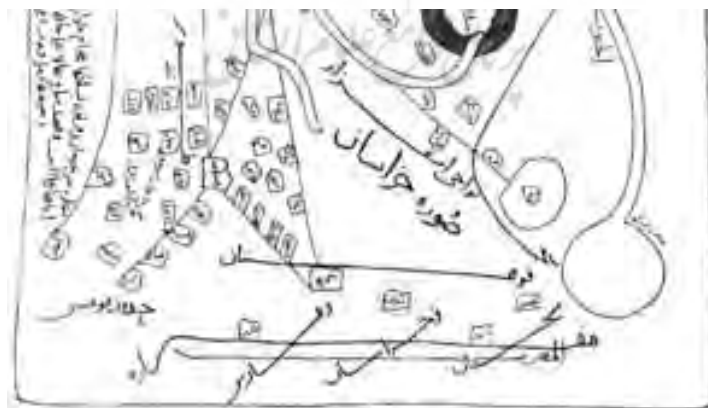
ابن حوقل گوید: «اکثر شهرهای قهستان سردسیر است و نخل در آنجا نمی روید مگر طبس گلیکی در حاشیه کویر» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۳۲۴). بزرگترین شهرهای قهستان قاین بود. همچنین، ابن حوقل درباره آن گوید: «دارای قهندز و خندق و مسجد جامع است و مقر حاکم در قهندز می باشد. آب آنجا از قنات هاست» (همان). ناصر خسرو در سال ۴۴۴ هجری- قمری قاین را دیده و گوید: «شهری بزرگ و حصین است و گرد شهر خندقی دارد و مسجد آدینه بشهرستان اندر است و آنجا مقصوره است و طاقی عظیم بزرگ است» (ناصر خسرو، ۱۳۸۴: ۹۵).

دیگر شهر این ایالت؛ تون در پنجاه مایلی غربی قاین و اندکی به سمت شمال آن واقع است. مقدسی آنجا را محلی پرجمعیت ذکر نموده و گوید: از قاین کوچکتر است و قلعه ای و مسجدی نیکو دارد و بیشتر آن بافندگانند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۳۰۲). در زاویه شمال باختری قهستان ولایت بوشت یا پوشت واقع است که شهرهای آن ترشیز و کندر می باشد (لسترینج، ۱۳۷۷: ۳۷۹). ابن اثیر در مورد این ولایت گوید: در سال ۵۲۰ هجری- قمری وزیر سلطان سنجر

سلجوقی ترشیز را محاصره و غارت کرد و از آن پس این شهر یکی از قلاع اسماعیلیه گردید. در خاور ولایت ترشیز ولایت زاوه واقع است. این ولایت یا قسمتی از آن معروف به (رخ) و کرسی آن موسوم بود به بیشک یا شهر زاوه (همان، ۳۸۰) در خاور ایالت زاوه و شمال قهستان نزدیک رودخانه هرات، ولات زام یا جام است که کرسی آن در قرن چهارم هجری- قمری شهر بوزجان بود.

ابن بطوطه گوید: معروفترین اولیاء آن شهر والی زاهد آن شهاب الدین احمد جامی است (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۷۵). ناحیه باخرز در جنوب خاور رودخانه هرات است. یاقوت در ترجمه باخرز گوید: اصل آن بادهرزه است زیرا آنجا باد فراوان می وزد (یاقوت، ۱۳۸۰: ۱/۴۵۸). حمدالله مستوفی در قرن هشتم هجری- قمری در ناحیه مرکزی قهستان چندین محل اسم برده که هنوز اسامی آن ها در نقشه موجود است ولی جغرافی نویسان عرب از آن ها نامی نبرده اند. از جمله ولایت زیرکوه که هنوز کوهستان های جنوب زوزن و خاور قاین به این نام معروف است (مستوفی، ۱۳۸۱: ۱۸۳).

از دیگر شهرهای قهستان گناباد است. گناباد شهر بزرگی در شمال خاوری تون است که ابن حوقل آن را «ینابذ» و مقدسی «جناود» نامیده اند (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۳۲۵؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۳۲۲). دو شهر دیگر در ایالت قهستان وجود داشت که هنوز باقی است و هر دوی آن ها را طیس می نامند و باین جهت جغرافی نویسان عرب آن ها را به صیغه «طیسین» گفته اند. طیس خرما در کنار کویر بزرگ واقع بود و ناصر خسرو در ۴۴۴ هجری- قمری طیس را دیده و می گوید: «خرماستان ها و در آن وقت امیر ان شهر گیلکی بن محمد بود» (ناصرخسرو، ۱۳۸۴: ۹۴). در سه منزلی جنوب خاوری طیس خور و خوست واقع بود. یاقوت اشتباه آن را بنام (جوسف) ضبط کرده که مسلم است اشتباه کاتب می باشد که نام خوسب یا خوسف را بصورت جوسف نوشته است. در بیست مایلی خاور خوسف شهر بیرجند واقع است که امروز به جای قاین کرسی و مرکز قهستان است و هیچکدام از جغرافی نویسان عرب قبل از یاقوت از بیرجند نام نبرده اند (لسترنج، ۱۳۷۷: ۳۷۸). یاقوت در قرن هفتم هجری- قمری درباره بیرجند گوید یکی از بهترین دیه های ایالت قهستان است (یاقوت، ۱۳۸۰: ۱/۷۸۳) (تصویر ۱).



تصویر ۱: نام شهرهای تون، قائن و طیس در کتاب صورة الارض ترسیم شده توسط ابن حوقل قرن چهارم (ابن حوقل، ۱۹۳۸ میلادی، ۱۲۵۶).

سیری بر تاریخ قهستان

هنوز یکسال از سلطه اعراب مسلمان نگذشته بود که قیامی به رهبری (قارن) در سال ۳۲ هجری- قمری صورت پذیرفت و اعراب به فرماندهی ابن خازم آن قیام را سرکوب کرده و ابن خازم به پاداش این پیروزی به حکومت خراسان منصوب شد و قهستان پس از فتح اعراب به دست قبیله بکر بن وائل افتاد (ابن اثیر، ۱۳۷۴: ۱۶۶۸). سیاست امویان که بر کوچاندن قبایل عرب شبه جزیره به نواحی مختلف فتح شده در ایران برای تثبیت قدرت خود بود موجب شد تا تعدادی از قبیله خزیمه به ناحیه قهستان آمده و سکنی گزینند که در این انتخاب حاکمیت و فعالیت پیشین (ابن خازم) در منطقه که احتمالاً از همین قبیله بوده است بی تاثیر نبوده باشد.

در عهد منصور دومین خلیفه عباسی خازم بن خزیمه که حاکم خراسان بود پس از شکست استادسیس توسط او حاکمیت قهستان نیز به او واگذار شد و تا سال ها بعد فرزندان او بر این ناحیه حکمرانی داشتند (مدرسی صادقی، ۱۳۷۳: ۱۴۹). با شکل گیری اولین سلسه حاکمان ایرانی بعد از اسلام، قهستان تحت حاکمیت آن ها قرار گرفت. قهستان در طی سال های حاکمیت این سلسه ها به ترتیب تحت حاکمیت آن ها قرار می گرفت. طاهریان و پس از افول قدرت طاهریان، قهستان به دست صفاریان افتاد (همان، ۲۲۶).

با ظهور سامانیان قهستان ضمیمه سامانیان شد و سیمجوریان تا اوایل دوره غزنوی بر آنجا حکمرانی کردند (باسورث، ۱۳۶۳: ۱۴۴). از همان ابتدای قدرت گیری سامانیان حاکمیت قهستان به خاندانی واگذار شد که تا فروپاشی حکومت سامانی و همچنین اوایل دوره غزنوی در دست آن ها باقی ماند. این خاندان که «غلامان ترک» بودند و بعدها به امارت و سپهسالاری خراسان رسیدند از سوی امرای سامانی حاکمان اصلی ناحیه قهستان شدند (باسورث، ۱۳۶۳: ۱۴۴؛ عتبی، ۱۳۴۵: ۵۸). چون سلطان محمود پا بر اریکه قدرت نهاد، درصدد برآمد تا ابوالقاسم سیمجوری را از قهستان بیرون کند. ارسالن جاذب را که از سرداران وی بود، روانه قهستان کرد. ارسالن با ابوالقاسم جنگید و وی را هزیمت داد (عتبی، ۱۳۴۵: ۱۶۹).

باشکست سپاه مسعود غزنوی در جنگ دندانقان در سال ۴۳۱ هجری- قمری قبایل سلجوقی به سوی جنوب و مغرب ایران سرازیر شدند و پس از ورود، نواحی مختلف را بین خود تقسیم کردند. در این میان ناحیه قهستان و کرمان سهم کوچکترین فرزند چغری بیک یعنی قاورد شد (نیشابوری، ۱۳۳۲: ۱۸).

نزاریان توانستند پس از تصرف الموت منطقه قهستان را نیز علیه حاکمیت سلجوقی به قیام وادارند. حسن صباح برای بدست گرفتن رهبری قیام قهستان، شخصی را انتخاب کرد که از اهالی همان منطقه بود. حسین قاینی که در تصرف الموت نیز حسن صباح را یاری کرده بود، به قهستان فرستاده شد. شرایط در قهستان به نفع اسماعیلیان بود. عامل سلجوقی قهستان به نام «کلسارغ» در حکومتداری خویشان را مفتضح ساخته و مورد نفرت اهالی منطقه قرار گرفته بود. نارضایتی عمومی از حاکم سلجوقی موجب تسهیل در پیشروی دعوت اسماعیلیان شد و به این ترتیب آن ها توانستند شهرهای عمده منطقه طبس، قاین، تون و دیگر مناطق را تصرف کنند (هاجسن، ۱۳۴۳: ۱۵۹).

همزمان با حمله مغول به فرماندهی هلاکوخان ۶۵۴ ناصرالدین محتشم در منطقه حکمرانی می کرد و او همان کسی بود که خواجه نصیر الدین طوسی دو کتاب خود را در علم اخلاق، به نام وی نوشت (دفتری، ۱۳۷۸: ۲۰۲). پس از فروپاشی قدرت نزاریان در قهستان، این ایالت همواره میدان تاخت و تاز قدرت های محلی ملوک سیستان و آل کرت در هرات قرار می گرفت. با روی کار آمدن تیموریان و تسلط بر هرات، قهستان نیز به دست تیموریان افتاد. در سال ۸۷۴ هجری- قمری، شیخ زاهد طارمی از سوی یکی امرای تیموری (احتمالا سلطان حسین بایقرا) بر قهستان حکومت می کرد (اسفزاری، ۱۳۳۵: ۲/۳۵۴).

پس از برافتادن دولت شاهزادگان تیموری در خراسان، ازبکان به قلمرو دولت صوفیه نزدیک کرد و درگیری های مداوم بین آن ها آغاز شد. شاه اسماعیل بعد از شکست دادن ازبکان و بیرون راندن آن ها از خراسان، قهستان را به امیربیک موصولی ترکمنان ترکمان واگذار و او را به لقب «امیر سلطانی» مفتخر کرد (جهانگشای خاقان، ۱۳۶۴: ۱۴۵). قهستان به عنوان منطقه ایی که مرتب مورد هجوم ازبکان قرار می گرفت، برای دولت صفویه اهمیت ویژه ایی داشت. این منطقه که در دوران صفوی به تفکیک حاکمیت یکپارچه سیاسی سوق داده می شد، در اواخر این دوران به دو منطقه «قاینات» و «تون و طیس» تقسیم شد و در هرکدام از این مناطق یکی از خاندان های محلی همان منطقه به حاکمیت موروثی رسید.

پس از فروپاشی حکومت صفویان به دست افغان ها خاندان های محلی شیپانی و خزیمه بر قهستان حکمرانی کردند. اسماعیل خان خزیمه، نخستین فرد از خاندان خزیمه که منابع وی را به حاکم منطقه قاینات معرفی می کنند، در سال ۱۱۴۴ هجری- قمری توسط نادرشاه افشار به حکومت قاین و فراه گمارده شد (استرابادی، ۱۳۴۱: ۱۷۹). پس از این تاریخ فرزندان امیر اسماعیل خان، امیر علم خان اول، امیر علی خان، امیر علم خان دوم، امیر اسدالله خان حسام الدوله، امیر علم خان سوم حشمت الملک، حشمت الملک دوم و شوکت الملک از مهمترین آن ها بودند که در عهد قاجار با عنوان حاکم قاینات بر این منطقه حکمرانی کردند.

عوامل تاثیرگذار بر وضعیت آموزشی قهستان از سلجوقیان تا صفویان

مهمترین عوامل تاثیر گزار بر وضعیت آموزشی قهستان عبارتند از: عوامل سیاسی- اجتماعی، عوامل اقتصادی، عوامل فرهنگی، که در ادامه پژوهش حاضر، هر کدام از این عوامل بررسی شده است:

۱. عوامل سیاسی - اجتماعی

الف- نقش سلجوقیان در پیشبرد وضعیت آموزشی قهستان

نخستین عامل تاثیرگذار بر آموزش در ولایت قهستان مسئله سیاسی است که شاید بتوان گفت سنگ بنای آن از زمان سامانیان که به رنسانس اسلامی مشهور است پی ریزی شد، در واقع توجه امرای سامانی به علم باعث شد که فرهنگ و تمدن اسلامی پیشرفت زیادی کند و دانشمندان بزرگی سر برآورند. خصوصا در دوره سلجوقی که این دوره با جنگ های طولانی با مشقات و مشکلات بسیاری همراه بود. از جمله این درگیری ها مناقشه بین سلجوقیان و

اسماعیلیان قهستان بود (مستوفی قزوینی، ۱۳۶۲: ۵۲۰). در این دوره، تمدن ایرانی به اوج دستاوردهای دینی و دنیوی خود نائل گشت. ترک ها خود به ندرت به کارهای خلاق هنری می پرداختند و آموزش بیشتر رنگ مذهبی داشت. آن ها با دادن سفارش های فراوان در تشجیع عناصر محلی می کوشیدند (زرین کوب، ۱۳۷۸، ۴۶۱) دوران سلجوقی نه تنها عصر طلایی پیشرفت فنون و صنایع محسوب می شود، بلکه در زمینه های هنری، فرهنگی و آموزشی نیز توسعه فراوان کسب نمود (آیت الله زاده شیرازی، ۱۳۶۲: ۱۶۷) و در همین دوره، ظهور اسماعیلیان در قهستان، خود نقش مهمی در تحولات آموزشی آن ایفا کرده است و باعث ارتقا و سطح کیفیت آموزش در این منطقه شده است. چرا که اسماعیلیان خود نیاز به پیشبرد اهداف خویش از طریق آموزش داشتند (دفتری، ۱۳۷۲: ۳۸۸-۳۸۹). بنابراین، تحول آموزشی که در عهد سلجوقی اتفاق افتاد در واقع نقطه عطف و الگویی برای دیگر اعصار پیش رو شد. آن تحول آغاز نهضت مدرسه سازی بود که توسط خواجه نظام الملک طوسی وزیر دانشمند آلپ ارسلان و ملکشاه سلجوقی رخ داد که سایرین به تبع از او این سنت را ادامه داده و توسعه دادند.

ب- سیاست های آموزشی مغولان و نسبت آن با قهستان

تعلیم و تربیت در هر جامعه رابطه مستقیمی با فرهنگ و اعتقادات، باورها، دانش و نیازهای مردم و طبقه حاکمه آن دارد. مغول نیز، آموزش و پرورش مناسب با اعتقادات، دانش ها و شیوه زندگی را خود داشتند. آنان چون بر ایران غالب آمدند با فرهنگ ایرانی اسلامی در آمیختند. دانشمندان و وزرای ایرانی این دوره نیز نقش مهمی در احیا و استقرار میراث اسلامی ایرانی ایفا کردند.

ایلخانان به علت نداشتن تعصب به دین و مذهبی خاص، در رویکردهای فرهنگی و سیاسی نوعی تسامح و تساهل مذهبی را در پیش گرفتند و همین امر موجب آزادی نسبی در تعلیم و تعلم علوم مختلف از جمله تعلیم دینی مذاهب مختلف اسلامی و تاسیس مجامع علمی آموزشی و تحقیقی شد که در بسیاری موارد با شرایط و امکانات مدارس و دانشگاه های امروز منطبق بود (ابن اثیر، ۱۳۷۴: ۳۶۰/۱۲). مغولان فاقد خط و کتابت بودند و حتی در مناسبت سیاسی، پیغام ها را شفاهی می رسانند ولی زبان شیوا و فصیح داشتند و فصاحت و نیکویی کلام در نزد مغول امتیاز محسوب می شد. آن ها خط را از اویغوری ها را آموختند و آن را در خط دربار و دیوان قرار دادند (همدانی، ۱۳۸۸، ۵۰۷/۱).

از مشخصات عمده آموزش در این دوره تعلیم و تعلم علوم دینی به خصوص اصول مذهب حنفی، شافعی و شیعه اثنی عشری بود که گاه برای هر کدام از آن ها در یک مدرسه کلاس های خاص تشکیل می شد و گاه مدرسه ایی جداگانه برای هر کدام در نظر گرفته می شد. در کنار کلاس های آموزشی دینی کلاس هایی نیز برای آموزش سایر علوم از جمله طب، نجوم، صنایع و فنون دایر می گردید. اهمیت دادن به تخصص مدرسان و توجه به رفاه آنان برای بازدهی بیشتر کار آموزش و دقت در هوش و استعداد طالبان علم و قرار دادن آنان در رشته های مورد علاقه از دیگر محسنات مجامع علمی و مدیران این دوره به حساب می آید (پروین ترکمنی، ۱۳۸۵: ۵۱).

مغولان پس از غلبه بر ایران با وجود اینکه از نظر نظامی غالب بودند، در امور سیاسی و فرهنگی ناگزیر به استفاده از ایرانیان گردیدند. بنابراین، در ارتباط با وزراء و امرای ایرانی مسلمان، به دین آنان گرایش و اعتقاد یافتند. هولاکو پس از ورود به ایران از مشاورت خواجه نصیر الدین طوسی مسلمان شیعه بهره برد و هر چند مسلمان نشد، ولی در مکاتبه با حکام مسلمان از قرآن و اسلام سخن می گفت و این مطلب در مکاتبات او با حاکم حلب قابل بررسی است (ابن العبرون، ۱۳۶۴: ۳۷۰). بدین ترتیب، در دوره حکمرانی مغولان، قهستان نیز از این موقعیت پیش آمده استفاده کرد.

لذا، در دوره مغول ها، با توجه به حمله مغول ها به قهستان و سرکوبی اسماعیلیان، همچنان، قهستان از آبادانی و رونق برخوردار بود. چرا که وجود آبخاری معروف به گیوک و باغی به نام طوغان در اطراف بیرجند که منسوب به دو سردار مغولی با نام های گیوک و طوغان می باشند، از شواهد گویای حضور مغولان و تسلط آنان بر قهستان می باشد (خسروی، ۱۳۷۶: ۴۴).

ج- تیموریان و اعتلای سطح آموزشی در منطقه قهستان

مردم قهستان در دوره سلطه تیموریان، بازرگانان، اهل حساب و نویسندگان بوده اند و بسیاری از وزرائی چون غیاث الدین خوافی که به مدت سی سال در منصب وزارت شاهرخ بود، علما و نویسندگان مشهور این دوره نظیر حافظ آبرو و فصیحی خوافی و... از این ناحیه به ویژه شهر خواف بودند. در زمان صفویان نیز، خاندان علم خزیمه در این منطقه به امارت رسیدند و تشکیلات حکومتی، سازمان های اداری و تاسیسات نظامی در آنجا بنیان نهادند (سرابی، ۱۳۸۱: ۲۱).

در اواخر سال ۷۹۰ هجری- قمری هنگامی که امیر تیمور در شیراز بود، ازبکان سمرقند را محاصره کردند. امیر تیمور فوراً به سوی خراسان حرکت کرد و برای همه ولایات ایران فرمانداری تعیین نمود از آن جمله امیر جمشید بن قارن را که قهستان بود، به حکومت دامغان منصوب کرد (خواند میر، ۱۳۳۳: ۴۲۲/۳).

این امیر جمشید بن قارن قایینی قهستانی بعداً در سال ۷۹۴ هجری- قمری از سوی تیمور به حکومت ساری منصوب شد. بعدها در دوره سلطان حسین بایقرا نیز شیخ زاهد طارمی از سوی او به حکومت قهستان رسید. بدون شک با حاکمیت سلطان حسین بایقرا تیموری بر خراسان از جهت گرایشی که این پادشاه بر تشیع داشت برخی از شیعیان فرصت یافته و مقدمات حکومت شیعی را در هرات فراهم ساختند. دو تن از علمای شیعی دربار سلطان یکی کربلایی حسن بود و دیگری سید علی واحد العین از قاین که در شیوه واعظی و سخنان مسجع و نظم ید طولایی داشت. (اسفزاری، ۱۳۳۵: ۳۲۸).

در همین زمان بود که جمال الدین محمد ابن حسام خوسفی برای مدتی از جنوب خراسان به هرات رفت و قصاید و مدایحی در فضایل اهل بیت (ع) سرود. مخصوصاً مثنوی خاوران نامه وی درباره مناقب امیرالمومنین(ع) که به شیوه

شاهنامه فردوسی سروده شده بسیار معروف است. وفات ابن حسام در ماه ربیع الاول ۸۹۳ هجری- قمری در قصبه خوسف قهستان اتفاق افتاد (خواند میر، ۱۳۳۳: ۳۳۶/۴).

د- اهتمام صفویان به پیشبرد دانش در قهستان

در زمان صفویان خاندان علم(خزیمه) در این منطقه به امارت رسیدند و تشکیلات حکومتی، سازمان های اداری و تاسیسات نظامی وسیعی در آنجا بنیان نهادند. از این زمان، شهر بیرجند با دارا بودن شعباتی از کنسولگری روسیه و انگلیس و نیز برخی بانک ها، به بزرگترین شهر شرقی راهبردی ایران در مرز هندوستان(در عصر استعمار انگلیس) بدل شد و پس از مشهد، دومین کانون بلامنازع سیاسی، نظامی، اداری، اقتصادی و فرهنگی کل مرزهای شرق ایران از چابهار تا سرخس به شمار می رفت. مدرسه تاریخی علیا یکی از زیباترین و بی نظیرترین مدارس خراسان محسوب می شود که توسط میرعلی بیک در اواخر دوره صفویه در شهر تاریخی تون و در محله میران مرمت گردیده و احتمالاً تاریخ ساخت آن به اواخر دوره تیموری و یا اوایل صفویه بر می گردد. این مدرسه از مدارس چهار ایوانی می باشد. فضاهای معماری شامل ورودی، هشتی، مسجد، مدرس و حجره ها می باشد. ورودی این بنا در راسته بازار تون قرار داشته است. سر در این بنا دارای عظمت بیشتری نسبت به مدرسه حبیبیه می باشد. حجره های طلاب این مدرسه در سه ضلع حیاط مدرسه واقع گردیده است و ورودی آن از داخل حیاط می باشد. فضای مسجد این مدرسه دارای تزیینات مفرس است. (نوایی، ۱۳۸۱، ۲۸۹)

مدرسه نجومیه گناباد که ظاهراً چون مختص نجوم بوده نجومیه نامیده شده در دوران صفویه احداث شد. شاید یکی دیگر از علت نجومیه نامیده شدن این مدرسه، به دلیل شهرت ملا مظفرگنابادی و پسرانش بوده که در عصر خود از بزرگترین منجمان ایرانی شمرده اند. قبل از تاسیس مدارس نوین در گناباد بار اصلی آموزش های ابتدایی کودکان بر دوش صاحب مکتب خانه های قدیمی بود. از این مکتب خانه ها در اواخر عهد قاجار می توان به چندین مورد در مرکز شهر گناباد(جویمند)، کوی شرقی یا قصبه شهر، دلویی، بیدخت، بیلند و کاخک ذکر کرد. همچنین، در بسیاری دیگر از شهرهای خراسان، مدارس ملی بوده است. اما در گناباد هیچ سندی در وجود مدارس ملی و مذهبی دیده و شنیده نشده است. در عین حال، از وجود مرکزی به نام «معلم خانه» در گناباد یاد شده است. این معلم خانه ها نسبت به مکتب خانه سطح بالا بوده و آموزگار این مرکز به «معلم باشی» معروف بوده است.

۲. عوامل اقتصادی

از جمله دیگر عوامل ترقی وضعیت آموزشی قهستان و حضور نوآموزان در این ولایت به وضعیت اقتصادی منطقه هم برمی گردد که حدی از ثبات را ایجاد کرده بود و با آنکه مهمترین منابع درآمد و معیشت مردم قهستان کشاورزی است و در قرون نخستین اسلامی محصولات هم چون انجیر، خرما، گردو، پسته، گیاهان صنعتی مانند زعفران کشت می شد (اشپولر، ۱۳۷۷: ۲/۲۰۰). اصطخری در قرن چهارم هجری- قمری خاطر نشان می کند که ساکنان این منطقه صاحبان شتر و گوسفند هستند (احمدیان، ۱۳۷۴: ۱۵۵). در منطقه قهستان از قدیم الاپام، امرار معاش مردمان آن دیار بر کشاورزی و دامداری بوده است. یاقوت حموی در معجم البلدان در این خصوص چنین آورده است: «قائن

شهری است بین نیشابور و اصفهان و شهری پاکیزه است». وی قاین را «نبار خراسان دانسته است» (حموی، ۱۹۹۵: ۱۰۳). بغدادی در مراد الاطلاع عینا گفته های یاقوت را آورده است (بغدادی، ۱۴۱۲: ۱۰۶).

با این اوصاف این منطقه در تاریخ بازرگانی بخش های شرقی ایران نقش قابل توجهی ایفا کرده است. این ناحیه مناطق جنوب و جنوب شرقی کشور را به مناطق شمال شرقی کشور متصل می سازد و زمانی خراسان بزرگ که بخش وسیعی از ایران را تشکیل می داد، از طریق قهستان به جنوب و مرکز ایران ارتباط می داد (زنگویی، ۱۳۸۸: ۱۰۵).

وضع تجاری و بازرگانی در قهستان تا زمانی که تحولات جدید منجر به توسعه روز افزون تجارت دریایی شد و مسیر سنتی کاروان های تجاری را تغییر داد، در مقایسه با مناطقی که در مسیر راه های مهم تجاری مانند جاده ابریشم و انشعابات مهم آن قرار داشتند، چندان قابل توجه نیست. ولی پس از این دوره، قهستان که در فاصله بین سواحل شرقی خلیج فارس و شمال شرقی کشور قرار داشت، اهمیت بیشتری یافت. علاوه بر صنعت فرش بافی که مهمترین صنعت دستی قهستان است، صنایع دیگری چون کوزه گری، مسگری، سوزن دوزی، زرگری و دیگر صنایعی که ابزارهای مورد نیاز مردم را تهیه می کرد رونق داشته است (بهینیا، ۱۳۸۰: ۴۷۸). از دیگر منابع اقتصادی در قهستان، منابع آن هستند که ذخایر معدنی شهرستان های بیرجند، قاین، نهبندان و طبس و کویرهای اطراف آن بعد از ذخایر گاز سرخس در مقام دوم اهمیت قرار دارند (زنگویی، ۱۳۸۸: ۴۷۸). معدن قلعه زری به عنوان دومین معدن مس کشور، پنبه نسوز حاجات نهبندان، خاک نسوز، زغال سنگ، سنگ گچ گناباد، معدن سنگ گچ معرفی شده است. سرب و بنتونیت فردوس و معادن منیزیت و آهن فلدسپات قاینات، از مهمترین منابع معدنی این منطقه می باشد (همان، ۱۱۲). در جای دیگر از اوضاع اقتصادی و منابع مالی آن، در مورد تون (فردوس کنونی) چنین نگاشته شده که: «تون شهر بزرگی بوده و وضع آن چنین نهاده اند که اول حصار بی بغایت نهاده و خندق عمیق بی آب بازار، گردحصار آورده و شهر و خان ها در گرد بازار و باغات و توتستان ها در گرد خان ها و غله زار در گرد باغات و آبش از کاریز است و هوایش معتدل» (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۴۴).

آنچه سبب قوت مناطق شهری این ناحیه شده عبور راه های عمده تجاری از این منطقه بوده است. در این میان، دو شهر تون (فردوس کنونی) و قاین از اهمیت بیشتری برخوردار بوده اند. شاید همین امر موجب شده است مارکوپولو از این ایالت تحت عنوان تونوکاین یاد کند (اصطخری، ۱۳۶۸: ۵۰). همچنین، واقع شدن این منطقه بین سیستان و نیشابور موجبات رونق تجاری آن را فراهم آورده است (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۳۲۲).

۳. عوامل فرهنگی

قهستان در پهنه جنوبی خراسان بزرگ از مهمترین بخش هایی به شمار می رود که نقش پایگاه فرهنگی میان مناطقی چون؛ خراسان، سیستان، سند و کرمان را برعهده داشته و ساختار فرهنگی آن کم و بیش به مانند سرزمین های پیرامون آن، متناسب با فرهنگ ایرانی است و این بافت فکری و قومی ناهمگون، خود زمینه ساز اعتلای نظام

آموزشی در قهستان شده است. در منطقه قهستان گروه های مذهبی متنوعی حضور داشتند و از این جهت بافت بسیار جالب و متمایز دارد.

با ورود اسلام به قهستان رفته رفته مردم این منطقه جذب این دین شدند، به طوریکه در اواخر قرن چهارم هجری- قمری اکثریت اهالی این منطقه پیشرو آیین اسلام شدند (راوندی، ۱۳۸۲: ۳۷). شیعیان اسماعیلی از مهمترین و پرتعدادترین گروه های مذهبی قهستان بودند که قبل از تشکیل حکومت نزاریان در این منطقه حضور داشتند. تعداد زیادی از نزاریان به رهبری حسن صباح و جانشینانش در قهستان سکنی گزیدند که نه تنها در قهستان بلکه در ایران و قلمرو خلافت منشاء تحولات بسیاری در قرن پنجم هجری- قمری تا اواسط قرن هفتم هجری- قمری شدند (کرمانی، ۱۳۶۲: ۵۶). در این دوران، در قهستان اهل سنت نیز کم نبوده اند. خواف از شهرهایی بود که بیشترین سنی را داشت که بیشترین آن ها حنفی بودند (مستوفی قزوینی، ۱۳۶۲، ۱۵۴).

خواجه نظام الملک طوسی با ایجاد مدرسی که موسوم به نظامیه بودند در راستای گسترش این مذهب که نسبت به مذهب ابو حنیفه کم رنگ تر می نمود گام برداشت. از جمله نظامیه هایی که ایجاد شد، نظامیه خرگرد بود که خاص شافعیه بوده است و باعث جذب علما و پیروان این مذهب شد (صفا، ۱۳۷۸، ۲/۲۳۴). کرامیه یکی از فرق مهمی بود که پیروان آن دنباله رو عقاید ابو عبدالله محمد بن کرام بودند که از اهالی سیستان بوده است. از مهمترین شهرها و نواحی قهستان که پیروان مذهب کرامیه بودند و نفوذ قابل توجهی داشتند، می توان به تون، بجستان، جام و بوزجان اشاره نمود که شیخ احمد بجستانی (۳۱۵ هجری- قمری) که قبر وی در نیشابور می باشد، از شیوخ این فرقه بوده است (غزنوی، ۱۳۴۵: ۱۹۷). چنانچه تصوف و عرفان در تاریخ از اهمیت زیادی برخوردار بوده است و در این میان، خراسان به عنوان «مهد تصوف اسلامی» جایگاه ویژه ای دارد (عزیزی، ۱۳۸۱: ۳۸). سده های میانه اسلامی از نام و نشان طریقت ها و پیروان طریقتی که در خراسان پرورش یافته و مردمی از سراسر جهان اسلام را مرید خود ساخته بودند، سرشار است. یکی از این طریقت ها «سلسله گنابادی» است که هنوز پیروانی در مناطق مختلف کشور دارد.

جایگاه مدارس در کیفیت آموزش ولایت قهستان

آموزش تا قبل از دوره سلجوقی یا در مساجد یا در مکتب خانه ها و یا در خانه علماء و دانشمندان به صورت خصوصی دنبال می شد. مدارس به وجود آمده در عهد سلجوقیان را با توجه به انگیزه و اهداف بانیان و واقفان و کارکردها و نحوه اداره آن ها، می توان به دو گروه خصوصی مردمی و مدارس دولتی تقسیم نمود: مدارس خصوصی و مردمی به آن دسته از مدارس اطلاق می شد که قبل از نظامیه ها که از سوی حکمرانان، وزیران و عالمان دینی در سرزمین های اسلامی تاسیس یافته بود و به عنوان جریانی مستمر حتی پس از نظامیه ها با فراز و نشیب به حیات خود ادامه داد. این مدارس مقطعی و موضعی بوده و با پشتوانه مالی اشخاص و بانیان آن ها و اهدافی خاص پای به عرصه وجود نهادند، به همین علت، به مدارس خصوصی و مردمی معروف شده اند (کسائی، ۱۳۸۳: ۴۱۷).

الف-مدارس دولتی

از مهمترین نهادهای آموزشی قهستان در دوره های مورد بررسی مدارس دولتی است و با توجه به اینکه از سوی نهاد قدرت حمایت می شد به صورتی هدفمندتر و با برنامه تر عمل می کردند. در واقع اندیشه شکل گیری این مدارس به وزیر قدرتمند و با تدبیر روزگار سلجوقیان خواجه نظام الملک طوسی باز می گردد که با جلب موافقت سلاطین سلجوقی و تبیین ضرورت این مرکز برای تحقق اهداف و مقاصد دولت، امکان احداث و بسط و گسترش چنین مدرسی را در قلمرو وسیع سلجوقیان و سرزمین های شرقی خلافت عباسیان به صورت فراگیر فراهم آورد. بر این اساس، می توان از مدارس نظامیه به عنوان نخستین مدارس دولتی در ایران و اسلام یاد نمود (همان، ۴۱۸).

نمونه این مدارس نیز در قهستان وجود داشته که یکی از مدرسی که می توان از آن نام برد، مدرسه غیاثیه خرگرد می باشد. آندره گذار در سال ۱۳۱۹ هجری- قمری آن را بررسی نموده و نقشه آن را ترسیم کرده است و چنین بیان کرده است که این اولین بنای چهار ایوانی ایران بوده که در عصر سلجوقی بنا شده است (تصویر ۲). آثار اندکی از این مدرسه به جا مانده که در حال حاضر در موزه آثار اسلامی تهران نگهداری می شود. کتیبه ایی با ابعاد ۴۰ متر طول و یک متر و ده سانت عرض در این بنا در شمار بلند ترین کتیبه ها قرار دارد. این کتیبه از گل قالب ریزی شده ساخته شده است (ایرانی، ۱۳۹۱: ۴). علاقه و توجه مردم این منطقه به تعلیم و تربیت و اهمیت دادن به ارتقای سطح فرهنگ جامعه در طول تاریخ نمایان است.



تصویر ۲: مدرسه غیاثیه خرگرد، قهستان، قرن نهم هجری- قمری (ایرانی، ۱۳۹۱: ۱).

ب- مدرسه ۲ منار طبس

تاسیس مدرسه ۲ منار طبس در قرن پنجم هجری یعنی زمانی که ساختن مدارس نظامیه به عنوان نخستین مدارس مستقل اسلامی، تازه رونق گرفته بود، بیان کننده میزان علاقه و توجه مردم منطقه به علم اندوزی بود. این روحیه

علم دوستی موجب شده بود تا مردم این منطقه با تمام محدودیت هایی که در طول تاریخ داشتند، همواره در این مسیر پیشگام و پیشقدم باشند (تصویر ۳).



تصویر ۳: مدرسه دو منار طبس، قرن پنجم هجری- قمری، (سازمان میراث فرهنگی شهرستان طبس، ۱۳۹۹).

ج- مدرسه دینی بیلند

برخی معتقدند که در زمان سلجوقیان در آبادی بیلند واقع در ۴ کیلومتری شمال شرقی گناباد در دوران وزارت خواجه نظام الملک طوسی تاسیس شده و در زمره نظامیه ها بوده و بعدها به صورت مدرسه علمیه درآمد است. این مدرسه از قدیمی ترین مدارس گناباد است که تا چندی پیش دایر بوده و در سال های اخیر ساختمان آن ویران و تعطیل شده است. بقایای ساختمان این مدرسه باقی است و خیرین در پی احیای آن هستند.

تربیت یافتگان نهادهای آموزشی در قهستان

خواجه نصیرالدین طوسی

خواجه نصیرالدین طوسی یکی از قربانیان نخستین حمله مغول هاست که طی آن سپاهیان چنگیز (۱۲۱۵- ۱۲۲۷ میلادی) سرزمین های اسلامی را مورد تعرض قرار دادند و به هر شهری که رسیدند آن را با خاک یکسان کردند. تنها عده ایی معدود از دست مغولان جان سالم بدر بردند و خواجه نصیرالدین طوسی یکی از آن ها بود که در پی پناهگاهی امن آواره بیابان ها شد. تا اینکه ناصرالدین عبدالرحیم بن ابی منصور محتشم که از طرف علاء الدین محمد پادشاه اسماعیلیان حاکم خراسان بود، خواجه را به قهستان دعوت نمود و خواجه نیز که قلعه قهستان را ایمن ترین نقطه در خراسان یافت، این دعوت را پذیرفت و به قهستان رفت.

او در مدت اقامت خود کتاب «طهارة الاعراق» تالیف ابن مسکویه را به درخواست میزبانش به زبان فارسی ترجمه کرد و نام آن را «اخلاق ناصری» نهاد. خواجه در سال ۶۲۳ هجری- قمری آن کتاب معروف را به نام وی تصنیف کرد. خواجه در آن تاریخ ۳۶ ساله بوده و همان موقع از حکما و دانشمندان ذوفنون به شمار می آمده است.

خواجه در قهستان بدرخواست ناصرالدین عبدالرحیم کتاب "زبده الحقایق" عین القضاة همدانی را از عربی به فارسی ترجمه کرده است. وی در همین ایام "رساله معینیه" را در موضوع علم هیئت به زبان فارسی بنام معین الدین پسر ناصرالدین نگاشت.

ناسازگاری اعتقادی خواجه با اسماعیلیان و نیز ظلم آنان به مردم، وی را بر آن داشت تا برای کمک گرفتن، نامه ایی به خلیفه عباسی در بغداد بنویسد. در این میان، حاکم قلعه که از ماجرای نامه با خبر شد خواجه را بازداشت و زندانی نمود. پس از چندی خواجه به قلعه الموت منتقل شد ولی حاکم آنجا که از دانش محقق طوسی اطلاع پیدا کرده بود با او رفتاری مناسب در پیش گرفت. نصیرالدین طوسی حدود ۲۶ سال در قلاع اسماعیلیان به سر برد و در این دوران خدمات آموزشی و علمی فراوانی انجام داد و لحظه ایی از تلاش های علمی باز ننشست و کتاب های متعددی از جمله "شرح اشارات ابن سینا"، "تحریر اقلیدس"، "تولی وتبری"، "اخلاق ناصری" و چندین کتاب و رساله دیگر تالیف نمود. علم پروری، سخاوت و شفقت ناصرالدین محتشم امیر اسماعیلی قهستان خواجه را به حمایت اسماعیلیان دلگرم نمود. او در سایه امنیت و محیط علمی قهستان به مطالعه و تحقیق پرداخت. در این ایام یافته های علمی خواجه در زمینه نجوم، منطق و اخلاق تا به آنجا رسید که در مدت حضور ده ساله خود در قهستان با تالیف آثار ارزشمندی همچون اخلاق ناصری، رساله معینیه و اساس الاقتباس موفق گردید نقش فعالی در حیات فکری جامعه نزاری ایفا نماید. به احتمال قریب به یقین یکی از علل مهم عزیمت خواجه به قهستان و الموت وجود منابع علمی و کتابهای ارزشمند کتابخانه های آن مراکز بوده است. سال ها بعد عطاملک جوینی کاتب و مورخ هلاکو خان در جریان فتح الموت به ارزش این کتابخانه ها اشاره می کند (جوینی، ۱۳۷۵: ۲۶۹).

از دیگر علل مهم پیوستن خواجه به قلاع اسماعیلیه، تعصب مذهبی، دشمنی دستگاه حکومت ترکان سنی و آزار و اذیت امامیان بود. با مطالعه تاریخ دوره سلجوقیان و خوارزمشاهیان و دوره های قبل از آن ها مانند روزگار سامانیان و غزنویان و بررسی سیاست های مذهبی سلاطین ترک می توان به اختلاف مذهبی جامعه، تعصب ها و دشمنی ترکان با امامیه و اسماعیلیان پی برد. از آنجا که وجود اسماعیلیان حاکمیت و قدرت سیاسی مغولان را به خطر می انداخت، هلاکو خان در سال ۶۵۱ هجری- قمری با اعزام لشکری به قهستان آنجا را فتح نمود. حاکم قلعه پس از مشورت با خواجه نصیر، علاوه بر تسلیم کامل قلعه از مغولان اطاعت کرد. چندی پس از سال ۶۵۶ هجری- قمری تاج و تخت اسماعیلیان در ایران برچیده شد و بدین سان خواجه نصیرالدین طوسی بزرگترین گام را در جلوگیری از جنگ و خونریزی و قتل عام مردم برداشته، از این رو نزد خان مغول احترام و موقعیت ویژه ایی یافت (رضوی، ۱۳۷۰: ۸۱).

حکیم نزاری قهستانی

سعد الدین بن شمس الدین بن محمد نزاری قهستانی، معروف به حکیم نزاری، در ۶۵۰ هجری- قمری در قریه فوداج بیرجند، در یک خانواده زمین دار اسماعیلی به دنیا آمد. وی تحصیلات مقدماتی خود را در قاین و بیرجند به پایان رساند. وی بعدا به عنوان کاتب و دبیر وارد خدمت شمس الدین محمد اول (۶۸۴-۶۴۳ هجری- قمری) موسس آل کرت در هرات و جانشینان او شد.

تقریباً سراسر زندگی نزاری قهستانی در زمان حکومت مغولان در ایران گذشت. وی شاهد ویرانی های عظیمی بود که مهاجمان مغول در وطن او به بار آوردند و قتل عام های آن ها را مشاهده کرد. اغلب مورخان بر این باورند که نزاری تخلص خود را از امام نزاری اسماعیلی گرفته و برخی هم می گویند که چون او نحیف و لاغر بود به نزاری معروف شد. او از دوران جوانی در خدمت حکمرانان آل کرت بود. وی چه به عنوان یک عامل دولتی و چه به عنوان یک عالم، به ابتکار خود، سفرهای بسیار کرد. او با سعدی معاصر بود و با وی رابطه ایی دوستانه داشت و در سال ۷۲۰ هجری- قمری در بیرجند در دوره حکمرانی غیاث الدین کرت بدرود حیات گفت. سفرنامه با حدود ۱۲۰۰ بیت که در آن شرح سفر دوساله خود را آورده است. «دستور نامه»، «ادب نامه»، «مناظره شب و روز» و «منظومه ازهر و مزهر» از آثار وی می باشد (رجبی، ۱۳۹۴: ۲۳۰).

سید محمد نوربخش

از حوادث مهم دوره شاهرخ تیموری، قیام سید محمد نوربخش در قهستان می باشد. سید محمد پدرش امیر سید عبدالله قطیفی از سادات رفیع الدرجات از احساء عربستان بود. سید عبدالله در عهد تیمور گورکانی در پی سفر به زیارت امام رضا(ع)، عازم قاین شد و متوطن و متاهل گردید. وی بسیاری از اسماعیلیان قاین را به شیعه امامیه در آورد. در سال ۷۹۵ هجری- قمری، فرزند او به نام سید محمد در یک خانواده شیعی امامی در قاین دیده به جهان گشود. وی تحصیلات مقدماتی را در حوزه علمیه قاین آموخت و بعد از آن عازم حله شد و از مجتهدین شیعه سال ها بهره برد. سید بعد از حله راهی خراسان شد و در هرات با خواجه اسحاق آشنا شد و وارد دنیای عرفان شد. خواجه اسحاق خلتانی به موجب خوابی که دیده بود، سید محمد را به نوربخش ملقب ساخت و او را خلیفه و جانشین خود قرار داد. وی در جوانی به طریقه کبرویه درآمد. ختلانی سید محمد نوربخش را به عنوان خلیفه و جانشین خود قرار داد. اکثریت، نوربخشیه؛ ریاست نوربخش را به عنوان خلیفه خود پذیرفتند و به نوربخشیه آشکار کردند. ملاصدرا در اشعار عربی و فارسی خود اشعار فلسفی نوربخش را در متن و حاشیه کتب فلسفی خود آورده است. سید در ربیع الاول سنه ۸۰۷ هجری- قمری به روضه رضوان خرامید. جنازه او را در باغی که خودش در سولوقان ری بنا نهاده بود مدفون کردند. ساختمان اولیه بارگاه به دستور سلطان حسین بایقرا که به شاه قاسم نوربخش و خاندان او ارادت می ورزید، احداث شد. امروزه اکثر مردم منطقه کشمیر ترویج تشیع را به برکت حضور سید محمد نوربخش در آن سرزمین می دانند و زوار زیادی از مناطق مختلف ایران و برخی ممالک اسلامی به زیارتش می روند. بعد از مرگ سید محمد، نوربخشیه به عنوان یک طریقه کاملاً شیعی تحت رهبری پسر و خلیفه نوربخش شاه قاسم قرار گرفت (رجبی، ۱۳۹۴: ۲۵۴).

بهاءالدوله نوربخش

او در زمان سلطان حسین بایقرا در شهر هرات مورد توجه آن پادشاه بود. بعد از فوت پادشاه به آذربایجان رفت و مورد لطف شاه اسماعیل صفوی قرار گرفت. بهاءالدوله ضمن طبابت کودکان، پیشوای نوربخشیان هم بود. وی پزشک معروف و مشهور ایرانی می باشد که هم اکنون میدانی در تهران به نام او نام گذاری شده و تندیس بهاءالدوله در

آنجا نصب شده است. چون مدتی در ری سکونت داشته است، از او به عنوان بهاءالدوله رازی نیز یاد شده است. خلاصه التجارب (پیرامون طب کودکان، قرا بادین، العون، هدیه الخیر (شرح چهل حدیث از رسول (ص) در عرفان)، آشک پیرامون طب، رساله ایی در احتراز از مرض وبا، مهمترین آثار و تالیفات وی می باشد (رجبی، ۱۳۹۴: ۲۵۴).

ابن حسام خوسفی

محمد فرزند حسام الدین نوه شمس الدین محمد، معروف به ابن حسام خوسفی از شاعران پرآوازه قرن نهم هجری- قمری است. تولد وی را ۷۸۲ هجری- قمری در شهر خوسف دانسته اند. او در روزگار سلطنت شاهرخ تیموری می زیست و معاصر امیر نظام الدین علی شیر نوایی بود. ابن حسام از عالمان شیعی مذهب و در علوم و فنون ادب و علوم شرعی و اخبار زبر دست بود. دیوان شعر، خاوران نامه، نثرالمعالی از آثار وی است که تا کنون برجای مانده است. وی احتمالاً در ۸۳۰ هجری- قمری وفات یافته و آرامگاهش در شهر خوسف می باشد (همان، ۲۵۶).

عبدالعلی بیرجندی

نظام الدین عبدالعلی بیرجندی از ریاضی دانان و منجمان قرن دهم هجری- قمری است. برخی او را حنفی و برخی او را شیعه دانسته اند. او دانش های زمان خود را در را نزد معروفترین استادان در هرات آموخت و از شاگردان شیخ بهایی بود و در ریاضیات شناخته شد. وی بیش از بیست اثر در ریاضی و نجوم دارد که برخی از این آثار عبارتند از: شرح الدرر النظیم، ابعاد و اجرام، البلاد بیست باب (در شناخت تقویم)، تحفه حاتمیه (در ریاضی)، شرح مجسطی، شرح زیج الغ بیک، ترجمه تقویم البلدان، چهار رساله در فواصل کواکب و شرح منار الانوار حافظ الدین نسفی. او احتمالاً در سال ۹۳۴ ق رحلت نمود و قبرش در میانه قبرستان بجد می باشد (رجبی ۱۳۹۴: ۲۶۰).

ملا عبدالله فاضل تونی بشروی

ملا عبدالله بشروی معروف به فاضل تونی، عارف، فقیه و دانشمند سده دهم و یازدهم هجری- قمری در دوره صفویه بوده است. او همراه برادرش؛ ملا احمد در مدرسه ملا عبدالله تستری اصفهان به تحصیل اشتغال ورزید. ملا عبدالله به هنگام عزیمت زیارت عتبات عالیات در کرمانشاه ۱۰۷۱ هجری- قمری از دنیا رفت و شیخ علی خان زنگنه بر مزار او بقعه ایی بنا کرد. از جمله آثار وی می توان به الوافیه، شرح الارشاد شیخ مفید، رساله ایی در فقه، رساله ایی در نماز جمعه، حاشیه بر معالم الاصول، حاشیه ایی بر ارشاد علامه و فهرستی بر تهذیب الاحکام شیخ طوسی اشاره کرد. برادر ملا عبدالله به نام ملا احمد تونی (متوفی ۱۰۸۳ هجری- قمری) یکی از علمای مشهور زمان خود بود و شاگردان بزرگی را چون قاسم علی قاینی تربیت نمود.

قاسم علی قاینی

وی ریاضیدان، فیلسوف، حکیم و فقیه عصر صفویه بود. او خدمات ارزشمندی به اسلام و ایران نمود و با زحمات طاقت فرسا توانست گام بزرگی در پیشبرد علوم بر دارد. او بیشتر عمر خود را در مشهد به تحصیل و تحقیق گذراند و

از شاگردان شیخ بهایی بود. در آن زمان، تدریس حساب و هندسه و نجوم در حوزه های مشهد دایر بود. او تمام عمر را به پژوهش و تالیف پرداخت و سال وفات وی را حدود ۱۰۹۸ هجری- قمری دانسته اند. اسطراب قاسم علی قاینی، اسطراب زورقی، مناظر و مرایا، ترجمه و شرح رساله جبر و مقابله خواجه نصیر، قبله نما، المسائل، معرفت تقویم از جمله آثار وی می باشد (رجبی، ۱۳۹۴: ۲۸۰).

فصیح الدین محمد دشت بیاضی (فارسی)

محمد بن علی قاینی معروف به فصیح الدین محمد نظامی در سال ۸۰۹ هجری- قمری در شهر فارس (شهری تاریخی در جوار خضری دشت بیاض) دیده به جهان گشود. نام فارسی در دنباله اسمش برگرفته از همین شهر فارس می باشد. فصیح الدین عالمی کامل و دانشمندی پرآوازه و سخت کوش در قرن نهم هجری- قمری بود. او با دانش بسیار، تحولاتی در دنیای دانش و ادب پدید آورد. ایشان قریب به یک قرن با تحصیل، تحقیق، تدریس، وعظ و نویسندگی به جهان اسلام و بشریت خدمت نمود. فصیح الدین در شهر هرات شاگردان بزرگی تربیت کرد. او در علم ریاضی و حکمت و هیات سرآمد فضلالی عصر خود بود.

وی خط را به زیبایی می نگاشت و از خوشنویسان آن زمان به شمار می آمد و همه معاصرانش او را به بزرگی ستوده اند. امیر علیشیر نوایی صدراعظم ایران که در زمان سلطان حسین بایقرا که از شاگردان وی بود، می نویسد:

«خواجه فصیح الدین از احفاد مولانا نظام الدین است که ایشان را نظامیان گویند. در بیست سالگی تکمیل علوم کرد و حالا قریب سی سال بافاده مشغول است. از علوم ظاهر هیچ علمی نباشد که از او درس نگیرد. در هر علمی که گویند، حواشی مفید و مصنفات دارد که علما از او بهره مندند» (بانو شگفته، ۱۳۷۸: ۴۲۰).

حسامی قهستانی تعداد تصنیفات و تالیفات وی را صد و هشتاد اثر داشته و اسامی تعدادی از آن ها را برشمرده است. مطلع الانوار کتابی بر ۲۰ باب در ریاضیات می باشد که خواجه نصیرالدین طوسی که به امیر علیشیر نوایی تقدیم نموده است. بدایع الصنایع، دیوان شعر، تحفه العوام در شرح وظایف مسلمین در ماه مبارک رمضان، دایره الهندسیه پیرامون قبله و ستاره شناسی است، معرفه القبله، اسطراب، حل التقویم، طالع نامه نیز از مهمترین آثار وی می باشد.

پروراندن عالمان گراندگری چون اینان فقط در سایه آموزش امکان پذیر است که قهستان، این دیار ارزشمند، با وجود داشتن مدارس علمی و فرهنگی چون: «مدرسه غیاثیه خرگرد»، «مدرسه ۲ منار طبس» و «مدرسه دینی بیلند» سهم عظیمی در ارتقاء فرهنگ و تمدن این مرز و بوم داشته است. عالمانی که به واسطه موقعیت جغرافیایی و بافت فرهنگی قهستان در زمینه آموزش و تعلیم و تربیت در ارتقاء فرهنگ و تمدن اسلامی از سلجوقیان تا پایان صفویان نقش ویژه ای داشته اند.

نتیجه گیری

تعلیم و تربیت همواره از طریق آموزش امکانپذیر بوده است و حال اگر این آموزش در حوزه علمی و فکری باشد هر اندازه که یک جامعه اهتمام بیشتری به نظام آموزشی بدهد قاعدتا پیشرفت بیشتری خواهد داشت و در جهان اسلام هم مسئله آموزش مقوله ای دور از ذهن نبوده است و به نسبت هر منطقه سطحی از دانش برقرار بوده است. قهستان بعد از ورود اسلام به ایران در مقایسه با تمام خراسان از موقعیت خاصی بهره مند بود، از این رو به آن، دروازه خراسان می گفتند. مورخان و جغرافی نویسان سده های نخستین اسلامی به منطقه توجه داشتند. روند تاریخی تحولات سیاسی - اجتماعی و فرهنگی قهستان گواه آن است که همیشه در بطن حوادث و جنبش ها و قیام های تاریخی قرار داشته است و بی هیچ شبهه ای این مسئله از همان شرایط طبیعی و ویژگی های خاص اجتماعی قهستان نشئت می گرفت. این منطقه از همان زمان فتح خراسان مورد توجه بوده است و از دوره سلجوقی به بعد وضعیت آموزشی قهستان به گونه ایی بوده است که عالمان بزرگی در این منطقه پرورش یافته اند، لذا یافته ها گویای آن است که آنچه باعث بهبود وضعیت آموزش در منطقه شد به سه عامل سیاسی، فرهنگی و اقتصادی برمی گردد که به لحاظ سیاسی توجه حاکمان بومی و محلی به این منطقه و دایر کردن مدارس دولتی زمینه ساز ثبات و ترقی را در این منطقه به وجود آورده است و از نظر فرهنگی نیز تکثر فکری و قومی مهمترین عامل در ارتقای سطح آموزشی بوده است به گونه ایی که نوعی از رقابت را ایجاد می کرد رقابتی که بیشتر فی مابین اسماعیلیان و نظامیه ها حاکم بوده است و به لحاظ اقتصادی هم شاهراه بودن قهستان و حد واسط بودن آن بین سیستان و نیشابور، آن را به مرکزی برای تجارت و تعاملات تبدیل کرده بود و همین هم از عوامل ترقی وضعیت آموزشی قهستان تلاقی می شود، بنابراین، در نتیجه چنین وضعیتی عالمان بزرگی همچون خواجه نصیر و حکیم نزاری و غیره سر برآوردند که هر کدام از آن ها به عنوان بخشی از فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی تلقی می شوند. لذا، وضعیت آموزشی قهستان تابعی از زمینه و بافت تاریخی خویش بوده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

کتاب:

- ابن اثیر (۱۳۷۴)، تاریخ کامل، مترجم: سید محمد حسین روحانی، تهران: اساطیر.
- ابن بطوطه (۱۳۷۶)، رحله، مترجم: دکتر محمد موحد، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- ابن حوقل (۱۳۶۶)، صوره الارض، مترجم: جعفر شعار، تهران: نشر امیرکبیر.
- احمدیان، محمدعلی (۱۳۷۴): جغرافیای شهرستان بیرجند، مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- اسفزاری، معین الدین محمد الزمعی (۱۳۳۵)، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، تصحیح محمد کاظم امام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اکبری، امیر (۱۳۸۲)، همانندی دیوانسالاری سلجوقیان با دیوانسالاری ساسانیان، تهران: نگاه .
- اشپولر، برتولد (۱۳۷۷)، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، مترجم: مریم امیراحمدی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- اصطخری، ابراهیم بن محمد (۱۳۶۸)، مسالک و ممالک، ترجمه: محمد بن اسعد تستری، تهران: انتشارات دکتر محمد ایرج اقشار.
- ایرانی، نفیسه (۱۳۹۱)، مساجد و مدارس چهار ایوانی و دو ایوانی خرگرد و سنگان خواف، گزارش سفر به خواف.
- باسورث، ادموند کلیفورد (۱۳۷۰)، تاریخ سیستان، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- بانو شگفته، صغری (۱۳۷۸)، شرح احوال و آثار فارسی امیر علیشیر نوایی متخلص به فانی، تهران: نشر بین‌المللی الهدی.
- بغدادی (۱۴۱۲ ق)، مراصد الاطلاع علی الاسماء الامکنه والبقاع، بیروت: دارالجلیل.
- حموی، یاقوت (۱۳۹۷ ق)، عجم البلدان، بیروت: دارصادر.
- خسروی، محمدرضا (۱۳۷۶)، در چگونگی این بیرجندیه، تهران: کتاب پاژ.
- خواند میر (۱۳۳۳ ق)، تاریخ حبیب السیر، با مقدمه جلال الدین همایی، تهران: خیام.

- جهانگشای خاقان (۱۳۶۴)، به کوشش الله دتا مضطر، ج ۱، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- دفتری، فرهاد (۱۳۷۶)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه: فریدون بدره ای، تهران، چاپ فرزاد.
- راوندی، مرتضی (۱۳۸۲)، تاریخ اجتماعی ایران، تهران: انتشارات نگاه.
- رجبی، نجیب الله (۱۳۹۴)، تاریخ خراسان جنوبی، تهران: شهرآشوب.
- عزیزی، حشمت الله (۱۳۸۱)، چگونگی و چرایی فرایند تکوین و توسعه تصوف در خراسان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگ.
- غزنوی، خواجه سدیدالدین محمود (۱۳۴۵)، مقامات ژنده پیل، به کوشش حشمت الله موید سندجی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کسایی (۱۳۸۳)، فرهنگ نهادهای آموزشی ایران، انتشارات دانشگاه تهران.
- لسترنج (۱۳۷۷)، سرزمین های خلافت شرقی، مترجم: محمود عرفانی، انتشارات علمی فرهنگی.
- مارکوپولو (۱۳۶۳)، سفرنامه، مترجم: صفیه تقی خانی، تهران: انتشارات ارغوان.
- مستوفی (۱۳۸۱)، نزهت القلوب، به اهتمام دکتر محمد دبیرسیاقی، تهران: کتابخانه طهوری.
- مقدسی، محمد بن احمد (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه: علینقی منزوی، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران.
- میری، محمدرضا و ناصح، محمد امین (۱۳۹۲)، از شوکتیه تا دانشگاه بیرجند (با رویکردی به زمینه های استقرار آموزش نوین در ایران)، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- مدرس صادقی، جعفر (۱۳۷۳)، تاریخ سیستان، تهران: نشر مرکز.
- ناصر خسرو (۱۳۶۱)، سفرنامه، تصحیح محمود غنی زاده، نشر اساطیر.
- نوایی (۱۳۸۱)، تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی اقتصادی فرهنگی ایران در دوره صفویه، تهران: انتشارات سمت.
- نیشابوری (۱۳۳۲)، ظهیرالدین: سلجوقنامه، تصحیح: اسماعیل افشار، تهران: گلاله خاور.
- هاجسن (۱۳۴۳)، فرقه اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره ای، تبریز: کتابفروشی تهران.

- هجرتی، محمد حسن (۱۳۸۶)، گناباد از فرود تا فردا، گناباد: انتشارات گناباد.
- همدانی، رشیدالدین فضل الله (۱۳۸۸)، جامع التواریخ، به اهتمام محمد تقی دانش پژوه، انتشارات علمی فرهنگی.
- آرشیو اسناد سازمان میراث فرهنگی شهرستان طبس، ۱۳۹۹.

مقالات:

- پروین ترکمنی، آذر (۱۳۸۵)، "سلجوقیان اختلافات مذهبی و پیامدهای آن"، پژوهشگاه علوم انسانی، شماره ۵۱. صص ۱۵-۲۸.
- سرابی، اصغر (۱۳۸۷)، "مدرسه شوکتیه بیرجند، مجله آیینه پژوهش"، بهمن و اسفند. صص ۲۴-۳۹.
- علیزاده بیرجندی (۱۳۹۳)، "بازنمود بنیادهای فکری مشروطه خواهی در خوابنامه های عصر قاجاریه"، مجله تاریخ نگری و تاریخ نگاری، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، شماره ۱۴، صص ۵۶-۶۶.

